

نگاهی به کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام

سید محمد راستگو

شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام
تحقیق و نگارش: دکتر علی فاضل
چاپ اول: انتشارات توس، ۱۳۷۳.
۵۵۶ صفحه - ۱۵۰۰ تومان

۳۷۴

سائلی را گفت آن پیر کهن
گفت خوش آید زبان را بر دوام
گر نسیم ز ایشان از ایشان گفته‌ام
گر ندارم از شکر جز نام بهر
چند از مردان حق گویی سخن
تا بگوید خوش حرف ایشان را مدام
خوشدلم کاین قصه از جان گفته‌ام
این بسی بهتر که اندر کام زهر

می‌دانیم که از خواندنی‌ترین و آموزنده‌ترین خوانندنیها، خواندن شرح احوال و آثار بزرگان و گزیدگان است. از این روی از دیرباز نوشتن کتابهایی در شرح احوال و آثار گزیدگان علم و ایمان و عرفان و... رواج و رونق بسیار داشته است، البته از این میان پرداختن کتابهایی درباره سیرت و سنت، و احوال و آثار بزرگان تصوف و عرفان، رنگی دیگر و رونقی افزونتر داشته است و نویسندگان و قلم به‌دستان بسیاری بوده‌اند که در این زمینه کتابها و رساله‌های بسیار به‌عربی و فارسی پرداخته‌اند، چه به‌شیوه تذکره‌نگاری یعنی فراهم آوردن کتابی در شرح حال و آثار گروهی از عارفان و صوفیان [مانند «حلیة الاولیاء» ابونعیم اصفهانی، «طبقات الصوفیه» ابوعبدالرحمن سلمی، «تذکره الاولیاء» عطار نیشابوری و...] و چه به‌شیوه تک‌نگاری یعنی فراهم‌ساختن کتابی درباره احوال و آثار یکی از بزرگان صوفی [مانند «اسرار التوحید» از محمدبن منور درباره صوفی بزرگ خراسان ابوسعید ابوالخیر، «مقامات زنده‌پیل» از سدیدالدین محمد غزنوی درباره دیگر صوفی بزرگ خراسان شیخ احمد جام، «سیرت ابن خفیف» از ابوالحسن دیلمی درباره صوفی بزرگ فارس ابن خفیف شیرازی و...] و البته قصد و غرض همه این نویسندگان در فراهم آوردن چنین کتابهایی

همان است که نویسنده ناشناخته کتاب «پند پیران» در مقدمه خود چنین آورده است: «و هیچ چیز نیست مر دین را سودمندتر و نافع تر از حکایت پیران و نگرستن اندر سیرت و آثار ایشان که علماء و بزرگان چنین گفتند که: همچون بیمار که زود علاج نیابد، زود هلاک شود، هر که حکایت پیران نشنود دین را زود به باد بردهد، پس علاج دین در پند پیران شنیدن است و اندر حکایت ایشان نگرستن...» (پند پیران، تصحیح جلال متینی، ص ۵)؛ آنچه در بیهای یادشده در صدر مقاله آمده است، نیز قصد و غرض دیگری است از نوشتن و پرداختن چنین کتابهایی.

نوشتن اینگونه کتابها به شیوه تک نگاری، امروزه روز نیز مانند گذشته رونق و رواج دارد، با این تفاوت که نوشته های امروزین - البته آنها که از سوی عالمان محقق و پرمایه و پژوهشگران پرهمت و حوصله فراهم می آید، نه رونویسهای پرت و پریشان محقق نمایان بی مایه - رنگ و رویی دیگر دارد، دیروزیان بیشتر می کوشیدند تا آنچه را درباره احوال و آثار و کرامات شیخی شنیده اند و خوانده اند، همه را در یک جای گرد آورند و از شیخ چهره ای هر چه بزرگتر و شگفت تر پیشاروی خواننده نهند، و از اینجا بود که بسیاری از آنها در درستی و نادرستی آنچه در کتاب خویش می آوردند، دقت بایسته ای نمی کردند و سهل انگارانه و خوش باورانه انبوهی از گزارشهای راست و دروغ و معقول و نامعقول را به هم می آمیختند. کتاب «مقامات ژنده پیل» نمونه آشکاری از اینگونه نوشتار هاست، کتابی که سرشار است از حکایات نامعقول و نامقبولی که نویسنده ساده اندیش و خوش باور آن «سدیدالدین محمد غزنوی» در اثبات کرامت و بزرگی شیخ جام از اینجا و آنجا گرد کرده است. اما امروزیان بر پایه های درست تحقیق و پژوهش می کوشند تا با نقد و بررسی روشمند و بهنجار چهره واقعی شیخی را که درباره او پژوهش می کنند، طرح و ترسیم کنند و احوال و آثار و افکار او را شسته و رفته و از غبار خرافه و افسانه زدوده، پیشاروی خواننده نهند. برای آشکاری تفاوت تک نگاریهای امروزیان و دیروزیان درباره مشایخ صوفی، کافی است تا کتابهایی چون «اسرار التوحید» و «مقامات ژنده پیل» را با کتابهایی چون «مصائب حلاج» از لویی ماسینیون و «سلطان طریقت» از دکتر نصرالله پورجوادی، مقایسه کنیم.

باری، یکی از تک نگاریهایی که به روزگار ما درباره یکی از مشایخ بزرگ صوفی نوشته شده و این مقاله برای معرفی آن فراهم آمده، کتاب ارجمند «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام» است که به حق کتابی است پروریمان و نمونه برجسته ای از تحقیق و پژوهشی شایسته و بایسته، نویسنده کتاب فاضل فضیلتمند و پژوهشگر ارجمند جناب دکتر علی فاضل که خود از شیفتگان شیخ جام است و پیش از این برخی از آثار ارجمند شیخ یعنی کتابهای «انس التائبین»، «مفتاح النجاة»، «روضة المذنبین و جنة المشتاقین» و «منتخب سراج السائرین» را به شیوه ای بسیار محققانه تصحیح کرده، و بر همه آنها افزون بر مقدمه هایی مفصل و خواندنی، تعلیقاتی سودمند و راه گشا و فهرستهای مفید و کارگشا افزوده است، از رهگذر سالها تحقیق و پژوهش درباره شیخ جام با احوال و آثار، اندیشه ها و افکار، سیرت و سنت و سبک و سیاق او آشنایی بایسته ای حاصل کرده است و حاصل یک اربعین پژوهش و بررسی در این زمینه را با نام «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار



شرح احوال & نقد و تحلیل آثار احمد جام

(۲۲۰-۵۲۶ هـ. ق.)

محقق و نگارش

دکتر علی فاضل

احمد جام به دوستداران اینگونه مطالب و مسائل ارمغان و ارزانی داشته و حق این صوفی صافی ضمیر خطه خراسان را بخوبی گزارده است.

در این پژوهش پرویمان، مؤلف گرامی نخست مقدمه‌ای آورده که در آن از گم و کیف کار خویش سخن گفته است. از اینکه یک چهله از عمر عزیز را در راه تدوین کتاب مایه گذاشته است و در فراهم آوردن مواد و منابع آن از به دست آوردن نسخه‌های خطی آثار شیخ داخل و خارج، از سفرهای مکرر به گور جای شیخ برای پژوهش و بررسی عینی و... هیچ کوششی را فرونگذاشته است، و اینکه اگر تدوین و تألیف آن یک اربعین زمان برده است، طبع و نشر آن نیز سیزده، چهارده سالی طول کشیده است.

نخستین بخش کتاب، گزارش تفصیلی «نام و نشان و نسب» شیخ است؛ و اینکه نام او «احمد» است و نام پدرش «ابوالحسین» و کنیه‌اش «ابونصر» و لقبهایش شیخ الاسلام، قدوة الابدال، قطب الاوتاد، سلطان الاولیاء و... و مشهورترین لقب او «ژنده پیل»، و توضیح اینکه گویا شهرت او به «ژنده پیل» - با توجه به معانی واژه «ژنده» - از این روی بوده که شیخ هم درشت اندام و بلندبالا و زورمند بوده و هم در هدایت مردمان به صراط سعادت و بازداشتن آنان از جهالت و غفلت، سخت بی پروا و با جلادت بوده است.

در این بخش از تبار و نژاد شیخ نیز سخن به میان آمده و اینکه او از دودمانی از نژاد اعراب یمنی و از اقباب جریر بن عبدالله بن بجلی صحابی معروف رسول خدا (ص) است، و از این رو شیخ احمد

علی و شیخ احمد عربی نیز خواننده شده، همانگونه که چون در قریه «نامق» از قراء ترشیز خراسان که امروز نیز به همان نام نامق شهرت دارد و از نواحی کاشمر است - ولادت یافته و بعدها «جام» کوچ کرده است، به شیخ احمد نامقی و شیخ احمد جامی نیز معروف گشته است.

«جام زیست گاه و آرام گاه شیخ الاسلام احمد جام» دومین بخش کتاب است، در این بخش حدود هفتاد صفحه درباره جام دیروز و امروز از دیدگاه لغوی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی... بحث و بررسی شده است؛ مثلاً دربارهٔ واژه «جام» بحث شده که محتمل است این واژه در اصل «ام» بوده که کم کم در تلفظ مردم خراسان - آنگونه که امروز نیز دیده می شود - با تبدیل ژ به ج «جام» شده است، و یا دربارهٔ موقعیت جغرافیایی جام توضیح داده شده که جام تا اوایل قرن هفتم کی از توابع نیشابور بزرگ قدیم بوده است و حاکم نشین آن در گذشته های دورتر (قرن چهارم) رزگان (= بوچگان، بوزگان و بوزجان) بوده که یکصد و هشتاد دهکده داشته است و اینک در هفرسنگی شرقی تربت جام امروز خرابه های آن مشهود است.

در این بخش از پاره ای از حوادث تاریخی مهم جام سخن گفته شده، همانگونه که شخصیت های جسته علمی، عرفانی، ادبی و... آن مانند ابوالوفا بوزجانی، ریاضی دان و منجم بنام سده چهارم، ابوالرحمن جامی، شاعر، عارف و نویسنده بزرگ سده نهم، شیخ زین الدین تایبادی عارف و انشمنند نامی سده هشتم، سیدقاسم انوار صوفی و شاعر معروف سده هشتم و نهم، هاتقی نرجردی شاعر سده نهم، درویش ابوذر بوزجانی شیخ و صوفی و شاعر سده چهارم، تاج الدین وربهای جامی شاعر سده هفتم هر کدام در دوسه صفحه معرفی شده اند.

موسیقی تربت جام، خوانندگان و نوازندگان ماهر و زیر دست آن همراه با پاره ای از ترانه ها و مروده های آنان، نیز اقوام و طوایف ساکن در جام، مذاهب اعتقادی مردم آن و... از دیگر مباحث این بخش است.

در سومین بخش کتاب با عنوان «آغاز کار و بدایت احوال شیخ جام» پس از اشاره به اینکه آغاز کار شیخ در حاله ای از ابهام و افسانه پوشیده شده، از ماجرای توبه شیخ جام به تفصیل سخن گفته شده است. اینکه او نیز مانند برخی از دیگر مشایخ همچون فضیل عیاض، نصیر طایبی، ابراهیم ادهم، شفیق ملخی، ابوالعباس سیاری، ابراهیم خواص، ابو عثمان مغربی، احمد حمادی و... نخست اهل دنیا و تفراهی بوده و سپس در اثر هدایت و عنایت الهی با توبه ای مردانه، تولدی دوباره و شخصیتی دیگرگون یافته است.

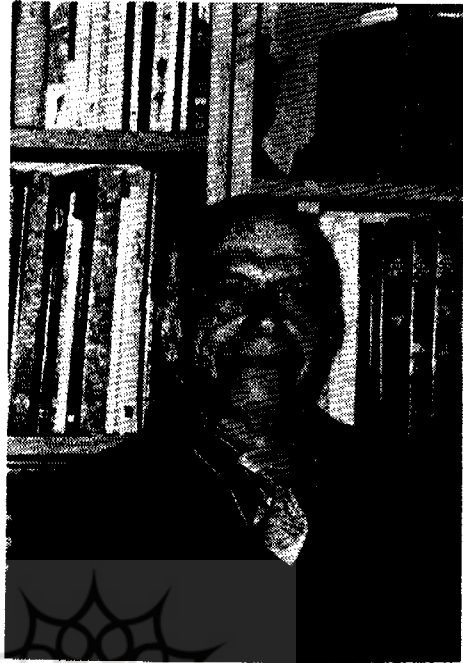
«معلومات احمد جام» چهارمین بخش کتاب است. در این بخش که تنها دو صفحه است، پس از نقل این سخن شیخ در «سراج السائرین»: «... بیست و دو ساله بودم که توبه کردم... از انواع علوم هیچ چیز ندانستم، والحمد بر نتوانستم خواند و دو رکعت نماز راست بتوانستم کرد، خدای عم نواله از خزینه فضل و جود کرم خویش، این خاطی جانی را از هر نوع علوم روزی کرده» بی آنکه منکر این عنایت ازلی و انعام ربوبی به شیخ جام و دیگر مردان حق شود، این نکته حق را آورده که «اشمال آثار ربی بر آیات محکومات و بازتاب مباحث الهیات در آنها، تضمین استادانه اخبار و روایات سید مختار

و ژرفکاوای در معانی و مفاهیم آنها، استناد به اقوال و آراء مفسران بزرگ، توسل به کلام مشاهیر صحابه و مشایخ روشن ضمیر، آگاهی داهیانه او بر مراتب عرفان و بیان منازل سائران، اخبار و قصصی که از حالات و مقامات پیران راستین به دست می دهد، استشهاد وی به شعر شاعران و امثال و حکم فارسی، نیز شیوه استادانه وی در انتخاب واژه های اصیل و مصطلحات سره و پاکیزه زبان فارسی و نظایر اینها همه نشانه های آشکاری هستند بر اینکه شیخ اگرچه در آغاز کودکی، به مکتب نرفت و درس نخواند، اما پس از توبه و دگرگونی شخصیت و اعتزال و انزوای دوازده ساله در کوهها و دژه های نامق، به موازات ریاضت و عبادت به مطالعه در زندگی پیامبران و خواندن نوشته های مشایخ، مفسران، متکلمان و... نیز پرداخت و از این رهگذر آگاهیهای فراوانی اندوخت، آگاهیهایی که بازتاب آنها را در آثار او آشکارا می بینیم.

«سفرهای شیخ جام» عنوان پنجمین بخش کتاب است. در این بخش پس از اشاره به اینکه سفر از اموری بوده که صوفیه همواره بدان سخت اهمیت می داده اند و از این رو بیشتر نوشته های آنان فصلی دارد درباره سفر و اهمیت و آداب و فواید آن، از سفرهای شیخ جام سخن گفته و اینکه او نیز مانند دیگر مشایخ به قصد نشر حقایق و تبلیغ دعوت خویش و به منظور آشنایی بیشتر با گروه های گوناگون مردم به تایباد، بیهق، نیشابور، مرو، سرخس، زورآباد، هرات و دیگر مناطق بارها سفر کرد. که تفصیل این سفرها در کتابهایی چون «خلاصه المقامات» و برخی از آثار خود شیخ آمده است، در اواخر عمر نیز یکبار به شوق کعبه همراه با جمعی از یاران صافی نهاد به زیارت بیت الله رفت. در این سفرها بود که شیخ با نفس گیر و سخنان ساده و بی ریای خود بسیاری از مردم را از طبقات گوناگون به راه راست، ارشاد و رهنمونی کرد.

در این بخش به مناسبت از سفر پاره ای دیگر از مشایخ نیز در پاورقی سخن به میان آمده است. «مذهب شیخ جام» عنوانی است که در ششمین بخش کتاب به تفصیل بررسی شده است. در این بخش پس از نقل و نقد سخن کسانی چون قاضی نورالله شوشتری در کتاب «مجالس المؤمنین» و میرزا محمدباقر خوانساری در کتاب «روضات الجنات» که با تکیه بر پاره ای اشعار - که استناد آنها به شیخ جام مسلم نیست - او را شیعی مذهب معرفی کرده اند، و پس از یادآوری تفصیلی و بجای این نکته که «اصولاً رجال بزرگ صوفیه و مشایخ آزاداندیش این طریقت در مباحث و مسائل شرعی خود را چشم بسته و علی الاطلاق در قید تابعیت از مصدر و مرجع به خصوصی در نمی آورده، بلکه با جمع بین آراء و اقوال بزرگان مذاهب، به مقتضای حال و مصلحت مقام عمل می کرده اند» چنین نتیجه گرفته که «شیخ احمد جام سنی متمایل به عقاید شیعی» است، و از میان مذاهب چهارگانه سنی، بی گمان پیرو ابوحنیفه نعمان بن ثابت بوده است.

«خرقه شیخ احمد جام و تاریخچه ای مستند از سابقه خرقه و خرقه پوشی در طریقت صوفیه و آداب و شرایط آن» عنوان هفتمین بخش کتاب است. در این بخش نخست از خرقه شیخ جام سخن گفته شده و گزارشهایی که آنرا به ابو سعید ابوالخیر می رساند، نقل و نقد شده است، گزارشهایی از این دست که: چون هنگام وفات ابو سعید فرارسید، فرزندان و مریدان او گرد آمدند تا ببینند که شیخ



دکتر علی فاضل

خرقه خویش به که حوالت می دهد و این افتخار نصیب چه کسی می شود، شیخ که مقصد آنان را رومی یابد، می گوید: آنچه شما می طلبید به دیگری حوالت شده است، آنگاه خرقه خویش را نزد زنده اش ابوطاهر امانت می گذارد و نشانه های احمد نامی را که سالها پس از وفاتش به زیارت مزار خواهد آمد، به فرزند بازمی گوید و او را وصیت می کند که چون آن شخص بیاید، خرقه را بدو بپوشاند؛ و بدین گونه سالها بعد خرقه ابو سعید به دست ابوطاهر به شیخ احمد جام می رسد. سپس از ساله «خرقه مبارکه در هرات» نوشته محمد ابراهیم خلیل الاحمد الجامی از بازماندگان تبار شیخ که سال ۱۳۴۷ در افغانستان چاپ شده، مطالبی نقل و نقد شده که خرقه شیخ پس از وفات در میان نقاب و اولاد او دست به دست گشته و در سال ۱۳۴۷ تولید آن در دست شیخ محمد ابراهیم جامی، شاعر و رساله یادشده بوده است، و در طول این سالیان دراز همواره در بقعه ای مخصوص نگهداری می شده و مردم به قصد تبرک و شفاء... به زیارت آن می آمده اند، و در این اواخر به فرمان صدراعظم وقت افغانستان و مساعدت دیگران عمارتی بزرگ با دو مسجد برای نگهداری آن ساخته است.

تعریف خرقه، فواید خرقه پوشی، آداب و مراسم آن، اوصاف پوشاننده خرقه، شکل و اجزای کیسی آن مانند آستین، تیریز، گریبان، قب (پاره جیب پیراهن)، بازافکن (کهنه پاره هایی که بر خرقه ریخته می شود)، فراویز (سجاف، حاشیه لباس)، رنگ خرقه، مرقعه، دلق، خرقه دری، خرقه زارمیخی، خرقه ارادت، خرقه تبرک، خرقه ولایت، پیر خرقه، سند خرقه، الگوی خرقه، از دیگر احث این بخشند که درباره هر کدام یکی دو صفحه مطالب خواندنی و مفید آمده است؛ مثلاً درباره

رنگ کبود خرقه (به نقل از کشف‌المحجوب، ص ۵۹) آمده است: «یکی از مدعیان بی علم درویشی را گفت: این کبود چرا پوشیدی؟ گفت از پیغامبر (ص) سه چیز بماند: یکی فقر، دودگر علم و سدیگر شمشیر. شمشیر سلطانان یافتند و نه در جای آن کار بستند، و علم علماء اختیار کردند و به آموختن تنها بسنده کردند و فقر فقرا اختیار کردند و این آلت غنا ساختند، من بر مصیبت این سه گروه کبود پوشیده‌ام.»

در بخش هشتم کتاب با عنوان «دورنمایی از دودمان ۹۰۰ ساله شیخ جام» که پس از بخش دوازدهم طولانی‌ترین بخش کتاب است، فرزندان و اصحاب شیخ تا امروز، همراه با احوال و آثارشان در ۱۲۸ صفحه معرفی شده‌اند، از جمله: خواجه ابوالفتح شیخ قطب‌الدین محمد مطهر جامی صاحب کتاب «حدیقه‌الحقیقه» همراه با نمونه‌هایی از اشعار و مکاتیب او، خواجه شهاب‌الدین ابوالمکارم صاحب کتاب «خلاصه‌المقامات» در شرح احوال و آثار و کرامات شیخ جام همراه با معرفی تقریباً تفصیلی این کتاب؛ یوسف اهل جامی صاحب کتاب معتبر و مفید «فرائد غیائی» که بیش از ۶۵۰ نامه دیوانی، درباری، دوستانه و عارفانه از قلم بیش از ۲۰۰ تن از نویسندگان دانشمندان، شاعران و فرمانروایان سده دوم تا هشتم هجری در آن فراهم آمده است و... باری در این بخش بیش از چهل نفر از معاریف دودمان شیخ معرفی شده‌اند و نمونه‌هایی از آثار و اشعار و مکاتیب پاره‌ای از آنان نیز آمده است.

نقد و بررسی کتاب «مقامات ژنده‌پیل» نوشته سدیدالدین محمد غزنوی، موضوع نهمین بخش کتاب است. «مقامات ژنده‌پیل» هرچند یکی از کهنترین منابع درباره احوال شیخ جام شمرده می‌شود و برخی از احوال و مقامات او را چون داستان توبه او، ریاضتها و مجاهدتهای او، مشافرتهای او و... را بازمی‌نماید و افزون بر اینها دارای پاره‌ای فواید فرعی دیگر نیز هست (همچون زنده نگه‌داشتن شمار قابل توجهی از نامهای جغرافیایی قدیم و واژه‌ها و مصطلحات کهن فارسی)، با این همه چنانکه خواهیم گفت، به هیچ‌روی کتابی نیست که بتواند با مقامات نامه‌های دیگر مشایخ همچون «اسرار التوحید» و «مقامات العارفين» و... هم‌بهبو باشد.

سدیدالدین محمد غزنوی مرید ساده‌دل شیخ در این کتاب در ضمن نزدیک به سیصد داستان که بسیاری از آنها خرافی و باورنکردنی و ساخته و پرداخته ذهن و ضمیر مریدان کرامت‌پسند می‌نماید، از شیخ جام چهره‌ای طرح و ترسیم شده که هرگز زینده مردان خدا و راهبان راه معرفت و صفا نیست. بلکه بیشتر تصویرگر مردی است عوام‌فریب، خودنما، دنیا دوست، شکم‌پاره، شهوت‌پرست، شهرت‌طلب و... که پیوسته به قصد خودنمایی و به رخ کشیدن قدرت و منزلت خویش و از صحنه بیرون کردن رقیب در کار کرامت‌بازی و عجایب‌نمایی و شگفت‌کاری است تصویری که به هیچ‌روی با آنچه در آثار خود شیخ آمده، همخوانی ندارد.

در این بخش مؤلف گرامی، پس از نقد و بررسی کتاب و نقل دو نمونه از داستانهای خیالی آن به‌حق چنین نتیجه گرفته است: «با مطالعه دقیق و تعمق در آثار ارزشمند شیخ‌الاسلام احمد جام آشکار می‌شود که صاحب آن مقامات و تصنیفهای گرانها با آن درجه از روشن‌بینی و آزاداندیشی

نهرآ نمی‌تواند با قهرمان داستانهای محمد غزنوی قرابتی داشته باشد و طبع و نشر کتابهای احمد جام و اطلاع از تمامی اقوال و آرای وی بی‌شک گریبان شیخ را از چنگ تهمت‌های بی‌اساس مزیدی چون سدیدالدین محمد غزنوی زها می‌سازد و او را چنانکه بوده است معرفی می‌نماید.» (ص ۲۸۱).
گفتنی است که نگارنده پیش از این درباره این کتاب و داستانهای خرافه‌آمیز آن در مقاله «انس الثائین» با تفصیل بیشتری سخن گفته است. ر.ک: آینه پژوهش، سال اول، شماره ۶.

دهمین بخش کتاب عنوان «شیخ جام و معاصرانش» را بر پیشانی دارد. در این بخش پس از اشاره به اینکه درباره روابط شیخ جام و معاصرانش اطلاعات مفصل و مستندی در دست نیست، و پس از نام بردن پاره‌ای از معاصران او مانند سلطان سنجر سلجوقی، خواجه قطب‌الدین مودود چشتی، شیخ اسماعیل جابر انصاری، امام محمد منصور سرخسی، احمد غزالی، عین‌القضاة همدانی، خواجه یوسف همدانی، سنایی غزنوی و... به یادکرد گزارشهایی کرامت‌آمیز از روابط شیخ جام با امام محمد منصور سرخسی و سلطان سنجر سلجوقی بسنده شده است.

«آرامگاه و مزار شیخ جام» عنوان یازدهمین بخش کتاب است، در این بخش مزار شیخ جام که از یرباز زیارتگاه مریدان و دوستداران او بوده، مورد بررسی قرار گرفته است و تحولات تاریخی آن، موقعیت امروزی آن، مسجد و گنبد و ایوان آن، درخت پسته معروف و پرخطر آن، موزه و اشیای گرانبهای آن [همچون آفتابه و لگن پولادی عهد سلطان سنجر و نسخه نفیس تفسیر سوراآبادی]، یادگارنویسی بر در و دیوار آن [از جمله یادگارهای محمد همایون پادشاه هند و محمد شاه غازی] ... همراه با عکسهای بسیار و گزارشهای خواندنی متعدد بخوبی معرفی شده است.

و بالآخره دوازدهمین و آخرین بخش کتاب به بحث و بررسی درباره «آثار شیخ جام» ویژه شده است. در این بخش پس از اشارتی به ارزش و اهمیت آثار شیخ و به دست دادن فهرستی از موضوعات مسائل آمده در آنها، و یادکرد آثار برجای مانده و برجای نمانده درباره «رسالة سمرقندیه»، «انس الثائین»، «سراج السائرین»، «روضة المذنبین»، «مفتاح النجات»، «بحار الحقیقه» و «کنوز الحکمة» از دیدگاه نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی و... همراه با نقل نمونه‌هایی از هر یک، به تفصیل بحث و بررسی شده است و از هر کدام معرفی درخوری انجام گرفته است.

سپس درباره داستانی که با نامهای «قصه احمد جامی»، «قصه زردپری و سبزپری»، «قصه چهار پری» و... بارها در ایران، افغانستان، هند و... چاپ شده است، بحث و بررسی شده و بخوبی و ستورای آشکار گشته که این داستان به هیچ‌روی نمی‌تواند از شیخ جام باشد.

در آخرین بحث از این بخش که آخرین بحث کتاب نیز هست، مؤلف گرامی درباره اشعار شیخ جام، نسخه‌های خطی و چاپی آنها، صحت و سقم آنها و... بحث و گفتگو کرده و نمونه‌هایی از آنها را نیز آورده است؛ این مؤرّد نه‌تنها از داده که مجموعه اشعار شیخ را از روی نسخه‌های متعدد، همراه با بحث و بررسیهای لازم در دست تصحیح و انتشار دارد، از خداوند بزرگ می‌خواهیم تا توفیق و توان جناب فاضل را بیش از پیش بیفزاید تا هر چه زودتر مجموعه اشعار شیخ و نیز یکی دو اثر تصحیح‌نشده او را با مقدمات و تعلیقات خواندنی - همچون آثاری که پیش از این از او دیده‌ایم -

ارزانی دستداران اینگونه مباحث و مقولات نماید (ایدون باد).

این بود گشت و گذاری در کتاب «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار جام» و مروری بر مباحث مسائل کلی و اصلی آن؛ اما گفتنی است که افزون بر این مباحث اصلی و منتظر، در جای جای کتاب به مناسبت‌های مختلف و به گونه‌ای نامنتظر نکته‌ها و مطالب مفید و خواندنی لغوی، ادبی، تاریخی اجتماعی و ... بسیاری که همه نشانگر دقت و دانش مؤلف فاضلند، آمده است و باروری بهره‌بخشی کتاب را افزوده است؛ مثلاً در ص ۳۴۳ به مناسبت بحث از موزه مزار شیخ از نسخه نفیس تفسیر سوره‌آبادی که هفتصد سال وقف مزار شیخ بوده و در سال ۱۳۱۶ به صلاح‌دید علی‌اصغر حکمت به موزه ایران باستان تهران برده می‌شود، تا از دستبرد حوادث و خطرات و ... ایمن ماندن درباره ارزش این تفسیر و سبک آن سخن گفته شده و از جمله درباره واژه «سوره‌آبادی» که «سوریانی» و «سوره‌آبانی» و ... نیز ضبط شده است، با پیشنهادی پذیرفتنی اصل آن را «زورآبادی» که گمان زده است که در اثر کثرت استعمال و تبدیل «ز» به «س» به «سوره‌آبادی» دگرگون شده است بندها به دلیل بدنویسی و بدخوانی به «سوره‌آبانی» و «سوریانی» تحریف گشته است؛ و یا مثلاً در ص ۴۸۳ به مناسبت بحث از کتاب «زودپری و سیزپری» و اشاره به این نکته که آن داستان از نظر در برداشتن شمار قابل توجهی از لغات و ترکیبات کهن فارسی، تحوّل واژگانی و لهجه‌ای، اسلوب ویژه جمله‌بندی و ... می‌تواند برای دستداران اینگونه مباحث زبانی جالب باشد، فهرست گونه‌ها از آن واژه‌ها و ترکیبات را آورده است، و اینک چند نمونه از آنها: آتش دادن، عوض کردن؛ پایان پایین؛ پایان کردن؛ پایین آوران؛ سرپایان؛ سرازیر؛ روی مال؛ دستمال؛ شومایان؛ شما؛ اختلاط کردن؛ گپ‌زدن؛ تماشه؛ تماشا کردن و